

Structural Semantics of the Word "Good" in the Holy Quran

Fathiyeh Fattahizadeh 

Professor of Quran and Hadith, Alzahra University, Tehran, Iran

Fereshteh Marzban *

Ph.D student of Quran and Hadith, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract


Khair is one of the practical words of the Arabic language, the conceptual and examples of which are used in human life. Structural semantics uses the methods of Qur'anic studies to extract the latent meaning of the text from a network of conceptual relationships. The present research based on companion and successor relationships with a constructivist approach to lexical-semantic analysis seeks to discover the semantic components of good in the Qur'an. External emergence, especially in the position of action, infinite blessings of absolute good, both material and spiritual, heart belief, desire, dispersal, touching, finding, and clinging are the semantic components of "good" through relationships and in the axis of the substitution of pure obedience in science and practice, return to the main source of charity, the well-known good deed of reason or sharia, it includes expansion, restraining the soul from deviation, desire, revealing human purity, embodying deeds in the resurrection.


Keywords: Qur'an, Khair, Structural Semantics, Companionship and Substitution Relations.

* Corresponding Author: tazkerah@chmail.ir

How to Cite: Fattahizadeh, F., Marzban, F. (۲۰۲۳). Structural Semantics of the Word "Good" in the Holy Quran, *Journal of Seraje Monir*, ۱۴(۴۶), ۲۲۱-۲۴۴.

معناشناسی ساختاری واژه «خیر» در قرآن کریم

فتحیه فتاحی زاده  استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

فرشته مرزبان  * دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

چکیده

معناشناسی ساختاری «خیر» در قرآن کریم با تبیین معانی مرتبط با خیر از میان شبکه‌ی گسترده به کشف روابط مفهومی «خیر» می‌پردازد. پژوهش حاضر بر مبنای روابط هم‌نشین و جانشین با رویکرد ساخت‌گرا به تحلیل معنایی واژگانی درصدد کشف مؤلفه‌های معنایی «خیر» در قرآن می‌باشد. سؤال اصلی پژوهش این است که کاربرد واژه «خیر» در قرآن کریم بر اساس روش معناشناسی ساختاری از نظر مصداقی و مفهومی به چه مؤلفه‌هایی برمی‌گردد. پژوهش حاضر بر اساس روش معناشناسی ساختاری به توصیف مفهوم «خیر» در قرآن کریم پرداخته است. ماده «خیر» در ۱۹۶ آیه قرآن کریم به صورت‌های مختلف آمده است. بروز و ظهور خارجی به‌ویژه در مقام فعل، فیوضات لایتناهی خیر مطلق اعم از مادی و معنوی، باور قلبی، رغبت، پراکنده شدن، دست زدن، یافتن و چسبیدن، مؤلفه‌های معنایی «خیر» از طریق روابط هم‌نشین هستند و در محور جانشینی تبعیت محض در علم و عمل، بازگشت به سوی منبع اصلی خیرات، فعل خیر شناخته‌شده عقل یا شرع، گسترش دادن، بازدارندگی نفس از انحراف، تمایل و رغبت، آشکار شدن خلوص انسان، تجسم اعمال در قیامت را شامل می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده جانشینی برای «خیر» کشف نشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، خیر، معناشناسی ساختاری، روابط هم‌نشین و جانشین.

۱. بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین روش‌ها جهت تبیین صحیح مفهوم واژه در جملات مختلف، بررسی معنای اصلی واژه بر اساس نظریه ساخت‌گرایی در روابط هم‌نشینی و جانشینی درون ساختار زبانی است (سوسور، ۱۳۷۸ ش: ۷-۴۷). با وجود این که کتاب‌های لغت و تفاسیر متعدد به بررسی معنای لغوی واژگان پرداخته‌اند، اما گاهی اختلاف معانی واژه موجب اختلال معنای کلام می‌شود؛ از این رو ایجاب می‌کند معنای «خیر» در قرآن با روش معناشناسی ساختاری، به بررسی تفاوت‌های کاربرد «خیر» در قرآن کریم بر اساس رابطه هم‌نشینی و جانشینی مورد بررسی قرار گیرد تا چگونگی دلالت کلمات و پیوستگی نظام‌مند میان معانی «خیر» در قرآن تبیین گردد (ایزوتسو، ۱۳۹۱ ش: ۴). رابطه هم‌نشینی به چگونگی قرار گرفتن تک‌واژه‌ها کنار یکدیگر در زنجیره گفتار، طبق روش‌ها و قوانین خاص گفته می‌شود تا عبارت مفهوم روشن پیدا کند (باقری، ۱۳۷۸ ش: ۴۳). رابطه جانشینی از نوع انتخاب و جایگزینی میان الفاظ یک زنجیره کلام با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آن کلام شوند (بی‌یرویش، ۱۳۷۴ ش: ۳۱).

واژه «خیر» از واژه‌های اخلاقی پر کاربرد و بحث‌برانگیز قرآنی دارای معانی مختلفی در فرهنگ‌های لغت، مفردات است؛ که شناخت حقیقت و مصادیق عینی آن نیازمند تأمل است. با وجود تلاش‌های محققان مصادیق «خیر» و بازشناسی مفهوم آن به صورت دقیق بررسی نشده است. سؤال اصلی پژوهش این است که واژه «خیر» در قرآن با رویکرد معناشناسی ساختاری بر مبنای هم‌نشینی و جانشینی دارای چه معانی می‌باشد؟ معانی نسبی واژه «خیر» بر اساس روابط هم‌نشینی و جانشینی در این پژوهش آمده است که با درکی فراتر از معانی لغوی «خیر» در قرآن با رویکرد معناشناسی ساختاری بررسی شده است تا به وسیله بازخوانی مؤلفه‌های معنایی در نظام معنایی قرآن، حالات مختلف اشتراک و افتراق تبیین گردد. در رویکرد ساخت‌گرا، ابتدا به بررسی معانی لغوی «خیر» و ریشه‌شناسی پرداخته می‌شود، سپس با بررسی آیاتی که ریشه «خیر» در آن‌ها به کار رفته است، هم‌نشین‌های این مفهوم با واژگان دیگر بیان می‌شود تا بخشی از ابعاد معنایی آن کشف

شود. در گام بعدی با بررسی هم‌نشین‌های «خیر»، جانشین‌های احتمالی آن بررسی می‌شود که در نهایت با بازخوانی هم‌نشین‌ها و جانشین‌های «خیر»، مؤلفه‌های معنایی این مفهوم در نظام معنایی قرآن کریم تبیین می‌گردد. اندیشوران قرآنی، با کاوش در مطالعات متعدد به بررسی مفهوم «خیر» در قرآن پرداخته‌اند، اما به نظر می‌رسد تاکنون نظام معنایی «خیر» با رویکرد معناشناسی ساختاری در قرآن بررسی نشده است. واژه «خیر» در میان زنجیره‌ای از مفاهیم قرآنی قرار گرفته است که از رهگذر تبیین درست ارتباط مفاهیم می‌توان به پیوند معنایی عمیق «خیر» با سایر واژه‌های هم‌حوزه در قرآن در دو محور جانشینی و هم‌نشینی پرداخت. در آثار پژوهشی که تا به الآن صورت گرفته است، معناشناسی خیر به صورت کلی و بدون در نظر گرفتن روش خاص مطالعات قرآنی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله ما به صورت جزئی و ساختاری به بررسی دقیق مؤلفه‌های «خیر» می‌پردازیم.

در ارتباط با معناشناسی واژه «خیر» در قرآن، مقالاتی تحت عنوان «بررسی نشانه معناشناختی واژگان «ذکر» و «خیر» در قرآن و معادل‌های آن‌ها در هفت ترجمه فرانسوی قرآن کریم»، معناشناسی «خیر» و «شر» از دیدگاه مفسرین قرآن کریم» و «مفهوم‌شناسی خیر و حسن در قرآن کریم» و ... کار شده است. با توجه به بررسی‌ها، تاکنون این واژه با رویکرد معناشناسی ساختاری مورد بررسی قرار نگرفته است. در پژوهش حاضر با روش معناشناسی ساختاری به بررسی دقیق مؤلفه‌های «خیر» می‌پردازیم.

۲. مفهوم‌شناسی «خیر»

ریشه «خیر» ۱۹۶ مرتبه در قرآن و در ۱۷۴ آیه قرآن به کار رفته است. مشتقات اسمی واژه «خیر» به شکل «خیرات» (۱۱ مرتبه)، «الخیرات» (۹ مرتبه)، «الاخیار» (۲۲ مرتبه)، «خیر» (۱۲۵ مرتبه)، «خیراً» (۳۳۷ مرتبه)، «الخیر» (۱۱۴ مرتبه)، «الخیره» (۲ مرتبه) به سه شکل در قرآن به کار رفته است (فارسیان، محمدرضا و دیگران، ۱۳۹۶: ش: ۱۲۳). مورد اول به صورت صفت تفضیلی به معنای «برتر از» و «برترین» که برتری امری را در صفتی بر امری (یا امور) دیگر بیان می‌کند، مانند: «ما نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا» (البقره/

(۱۰۶) (سالخورده، معصومه، پسندیده، عباس، ۱۳۹۶ ش: ص ۱۷۱). مورد دوم به صورت اسم به معنای کار خوب و پدیده خوب استعمال می‌شود؛ مانند: «وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» (البقره / ۱۱۰). مورد سوم نیز به شکل اسم و صفت؛ مانند آیه «وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ» (البقره/۱۸۴) آمده است (والازاده، ۱۳۹۰ ش: ۵۹۴).

واژه «خیر» به معنای میل و گرایش است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۲/۲۳۳). ابن فارس معتقد است که روی آوردن و رغبت به چیزی و اختیار کردن، اصل معنای خیر است (برخواه، ۱۳۹۰ ش: ۵۹۶). از این رو، آن را متضمن معنای اَخْبَر (بهتر از) دانسته است، زیرا شخص به چیزی که بهتر می‌داند، روی می‌آورد و از امر مقابل آن روی برمی‌گرداند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۲/۲۳۳)، اما بنا به گفته طباطبائی، خیر صفت مشابه است (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۳/۱۲۸). «خیر» به معانی دیگر مانند امر نیکو و پسندیده (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۴/۲۶۴؛ قرشی، ۱۳۷۱ ش: ۲/۳۱۷؛ مدنی، ۱۳۸۴ ش: ۷/۴۰۸)، معروف (زیبیدی، بی‌تا: ۶/۳۷۷)، چیزی که همه در طلب آن هستند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۲۵۷؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق: ۱۸۶)، عقل، صلح، رحم، مکارم اخلاق، کرم و جود (مصطفوی، ۱۴۱۶ ق: ۳/۱۷۵)، نیز بکار رفته است.

از مجموع کاربردهای واژه‌ی «خیر» در قرآن درمی‌یابیم که حقیقت معنای لغوی خیر، مفهومی عام، جامع و معنای آن شامل هر چیز ارزشمند و مطلوب می‌باشد که افراد به آن گرایش دارند و دیگر معانی، مصداق آن هستند. دامنه‌ی معنایی خیر در قرآن، امور دنیوی و اعتقادی را در بر می‌گیرد.

۳. بررسی هم‌نشین‌های واژه «خیر»

«الله» و «عندالله» پربسامدترین هم‌نشین‌های واژه «خیر» می‌باشند که در جهان‌بینی قرآنی «خیر» در این دو وجه معنایی خلاصه می‌شود. هم‌نشین‌های دیگر «خیر» زیرمجموعه این دو واژه قرار دارند که در هم‌نشینی و جانشینی با «خیر» واقع شده‌اند. در این بخش با مطالعه هم‌نشین‌ها و جانشین‌های احتمالی «خیر»، به تحلیل معنایی این واژه در بافت قرآن پرداخته

و تلاش می‌شود تا مؤلفه‌های معنایی «خیر» تبیین شود.

۳-۱. «الله» پربسامدترین هم‌نشین ریشه «خیر»

کاربرد «الله» در هم‌نشینی با ماده «خیر» بیش از ۳۰ مرتبه به صورت رابطه اصلی فاعلی، اسم علم خداوند و جامع تمام صفات کمال آمده است (قرشی، ۱۳۷۱ ش: ۱/۹۷). برخی گفته‌اند «الله» از إله، برای هر معبودی و ذاتی بکار می‌رود؛ که اختصاص آن به «الله» مختص ذات معبود یگانه است. برخی دیگر گویند از أله به معنای متحیر و سرگردان است، زیرا بنده هر چه در صفات خدا بیندیشد، عظمتش او را متحیر می‌کند. برخی آن را ریشه وله به معنای این که که هر آفریده‌ای در راه او مجذوب و مسخر اوست. برخی دیگر آن را از ریشه لاه، یلوه، لیاه دانسته‌اند، یعنی از نظرها پوشیده شد. بر اساس نظرات مختلف می‌توان گفت که همه نظرات در کاربردهای متفاوت درست هستند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۸۲). بنابراین «خیر محض» یکی از مؤلفه‌های معنایی اصلی «خیر» در قرآن است که دالّ وجود تحیر آفرین یگانه‌ی باشکوه است. واژه «الله» در هم‌نشینی با «خیر» گاهی به صورت مستقیم می‌آید؛ که به عنوان توضیحی تکمیلی برای برتر نشان دادن واژه «الله» به کار می‌رود؛ مانند: «أَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (یوسف / ۳۹). در مواردی جهت توصیف «الله» بکار می‌رود؛ مانند: «وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (طه / ۷۳). یکی از مؤلفه‌های معنایی «خیر» خاصه در مقام فعل، بروز و ظهور خارجی است که خداوند نازل کننده خیر و منشأ اصلی آن ذات است که مبدأ فیوضات و غایت وجودی همه موجودات عالم هستی از جمله انسان است که هر یک از آنها به سمت او در حرکت‌اند. از میان هم‌نشین‌های واژه‌های «خیر»، واژه‌ای که از لحاظ تشابه و ساختاری بتواند جان‌نشین آن قرار بگیرد، وجود ندارد؛ زیرا «خیر» واژه مستقل تفضیلی است که برای نشان دادن مطلوب ذاتی در بالاترین درجه قرار دارد.

۳-۲. «عندالله» دومین هم‌نشین پربسامد ریشه «خیر»

«الله» ذات جلاله خداوند متعال می‌باشد، در حالی که «عندالله» اعم از تجلیات مادی و معنوی

ذات جلاله «الله» در عوالم هستی است. واژه «عندالله» مهم‌ترین مفهوم در حوزه معنایی با «خیر» است که جهت تبیین مفهوم به بررسی مصادیق آن در قرآن کریم می‌پردازیم (ر.ک: مظاهری تهرانی، ۱۳۹۳ ش: ۳۲). «عندالله» با توجه به کاربرد هم‌نشینی «خیر» با واژگان دیگر در قرآن کریم به دو نوع مطلق و مقید تقسیم می‌شود. «خیر مطلق» ذات اقدس اله منشأ فیوضات است که انواع خیر مادی و معنوی را در عالم هستی منتشر می‌کند. عالم هستی از فیوضات لایتناهی خیر مطلق خداوند نشأت می‌گیرند که آن‌ها را مسخر بشر قرار داده تا برای پیمودن کمال از همه‌ی موجودات جهت رسیدن به خیر مطلق بهره‌مند شود (ر.ک: الجاثیه/۱۳)، بر این اساس همه اجزای آفرینش فی‌نفسه خیر می‌باشند (ر.ک: الطه/۵۰) و جهت اتصال انسان به‌عنوان مظهر تجلی صفات الهی به خیر مطلق خلق گردیده‌اند. «خیر مقید» به چیزی گفته می‌شود که در تحقق کمال نهایی و مطلوب ذاتی انسان نقش دارد و یا به‌خاطر تأثیر از مطلوب ذاتی، خیر است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷ ش: ۴۶؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۲۵۷). «خیر مقید» در آیات قرآن کریم به دو نوع مادی و معنوی تقسیم می‌شود که همه‌ی آن‌ها مصداق «عندالله» جهت بهره‌وری انسان برای نزدیکی به «الله» می‌باشند که به ترتیب بسامد بیان می‌شوند.

۳-۲-۱. هم‌نشینی «عندالله» و مصادیق «خیر مادی»

مصادیق «عندالله» به‌عنوان «خیر مادی» در قرآن کریم با مصادیق عدالت در مال یتیم (الاسراء/ ۳۵؛ النساء/ ۱۲۷؛ النحل/ ۷۶؛ هود/ ۸۴)، صدقه (البقره/ ۲۸۰-۲۷۱؛ المجادله/ ۱۲)، انفاق (البقره/ ۲۷۳-۲۷۲-۲۱۵)، روئیدنی‌ها در زمین (البقره، ۶۱؛ القصص/ ۲۴؛ الحج/ ۱۱)، میزان (هود/ ۸۴؛ الاعراف/ ۸۵)، اعطای مال (البقره/ ۱۸۰؛ النور/ ۳۳)، سود معامله (هود/ ۸۶)، مطلق کار خوب (البقره/ ۱۱۰)، شتران فربه (الحج/ ۳۶) به کار رفته است.

۳-۲-۲. هم‌نشینی «عندالله» و «خیر معنوی»

«خیر معنوی» تحت عنوان «عندالله» به‌عنوان مهم‌ترین عامل دستیابی انسان جهت ارتقای معنوی و تکامل اوست. هم‌نشینی واژه «خیر» در حوزه معنایی آیات قرآن کریم، سیاق و

بافت کلی آن‌ها به‌عنوان خیر حقیقی برای رسیدن به کمال نهایی است.

قرآن کریم مهم‌ترین واژه‌ای است که از نظر کیفی در رابطه جانشینی با «خیر» قرار دارد و دارای مؤلفه معنایی مشترک می‌باشد؛ زیرا مهم‌ترین معجزه الهی است که انسان بعد از ایمان به خداوند بر اساس آن بتواند با خیر مطلق ارتباط برقرار کند و تمام فیوضات الهی و خیرات را از طریق آن شناسایی کند و بهترین‌ها را برای خود رقم بزند؛ آیه «وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا» (النحل/ ۳۰) تنها آیه‌ای است که قرآن در آن تعبیر به «خیر» شده است. مصادیق دیگری که در هم‌نشینی با «خیر» و مصداق «عندالله» هستند، به ترتیب بسامد شامل آخرت (النساء/ ۷۷؛ الاعراف/ ۱۶۹؛ یوسف/ ۱۰۹؛ النحل/ ۳۰؛ الاعلیٰ/ ۱۷؛ الضحیٰ/ ۴؛ الانعام/ ۳۲؛ النساء/ ۷۷؛ القصص/ ۶۰؛ الشوریٰ/ ۳۶)، اجر (البقره/ ۱۰۳؛ یوسف/ ۵۷؛ النمل/ ۸۹؛ القصص/ ۸۰؛ القصص/ ۸۴؛ الصافات/ ۶۲؛ الفصّلت/ ۴۰؛ المؤمنون/ ۷۲)، قرآن (النحل/ ۳۰؛ البقره/ ۱۰۶؛ یونس، ۵۸)، بهشت (الفرقان/ ۱۵؛ الفرقان/ ۲۴؛ آل عمران/ ۱۵)، رحمت (البقره/ ۱۰۵؛ آل عمران، ۱۵۷؛ الزخرف/ ۳۲)، جهاد (التوبه/ ۴۱؛ البقره/ ۲۱۶؛ الصف/ ۱۱)، صبر (النساء/ ۲۵؛ النحل/ ۱۲۶)، نماز (الجمعه/ ۹؛ ر.ک: البقره/ ۱۱۰)، کار برای خداوند (المزمل/ ۲۰)، معروف (آل عمران/ ۱۰۴)، معروف (آل عمران/ ۱۰۴)، روزه (البقره/ ۱۸۴)، حکمت (البقره/ ۲۶۱)، حج (البقره/ ۱۹۷)، شب قدر (القدر/ ۳)، مغفرت (آل عمران/ ۱۵۷)، مغفرت (آل عمران/ ۱۵۷)، فضل (یونس/ ۵۸)، ولایت (الکهف/ ۴۴)، احسان (النحل/ ۳۰)، ادای حق (الروم/ ۳۸)، جایگاه اهل ایمان (مریم/ ۷۳)، حضرت یوسف (یوسف/ ۵۹)، وحی خدا (التوبه/ ۶۱)، اجیر قوی و امین (القصص/ ۲۶)، مکتب الهی (کهف/ ۹۵)، عطاى الهی (النمل/ ۳۶)، رزق الهی (طه/ ۱۳۱)، اجازه و سلام (النور/ ۲۷)، عفاف (النور/ ۶۰)، آشتی میان زن و شوهر (النساء/ ۱۲۸)، پایبندی به عهد خدا (النساء/ ۱۲۸)، معنویات (الجمعه/ ۱۱) می‌باشند.

۳-۳. هم‌نشینی «خیر» با ایمان/عمل صالح/ الیوم الآخر/ معروف/ منکر/ فلاح
«ایمان» از هم‌نشینی‌های «خیر» به‌صورت رابطه مکملی شرطی است: «فَأْمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ» (النساء/ ۱۷۰) که در این آیه «خیراً» در آیه النساء، ۱۷۰ جواب شرط فعل محذوف «إن»

تؤمنوا» است. «ایمان» به‌عنوان بنیادی‌ترین مؤلفه در کسب خیر کمالی به گروهی از مردم اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب خطاب می‌شود که خیر کمالی آن‌ها در ایمان آوردن حقیقی به خدا و پیامبر اکرم (ص) خیر معنوی محسوب می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۱۵۸/۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ۲۴۲/۵). «ایمان» به معنای تصدیق، باور قلبی (طوسی، ۱۴۱۰ ق: ۱/۵۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق: ۱/۱۰۲)، جای‌گیر شدن اعتقاد در قلب و امنیت یافتن است (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱/۴۵). واژه «ایمان» ۸۱۲ مرتبه در قرآن بکار رفته است؛ که در آیات متعدد «ایمان» هم‌نشین «خیر» آمده است (ر.ک: البقره / ۲۲۱؛ الصف / ۱۱؛ البینه / ۷؛ آل‌عمران / ۱۱۰). گاهی «خیر» جانشین «ایمان» قرار می‌گیرد: «وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ» (الانفال / ۲۳) که بیانگر آماده کردن انسان برای قبول حق است. منظور از «اسماع» استقرار باور قلبی در دل است (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش: ۹/۵۲). بنابراین یکی از مؤلفه‌های معنایی اصلی «خیر»، باور قلبی است.

بیشتر هم‌نشین‌های فعلی «ایمان» از ریشه «عمل صالح» هستند که جانشین مناسبی برای «خیر» به‌منزله رابطه مکملی معطوف می‌باشد. «عمل صالح» بیشتر از پنجاه بار به‌صورت اسم با «ایمان» هم‌نشین شده است (ر.ک: البینه / ۷). «صُلِحَ / صالح» به معنای فعل شایسته و خوب است که در آن فساد راه ندارد. «عمل صالح» به معنای چیزی است که مطابق عدل، انصاف و مورد رضای خدا توأم با ایمان به خدا باشد (ر.ک: ابراهیم، ۱۸). «باقیات الصالحات» یکی از مهم‌ترین آثار «عمل صالح» به‌عنوان هم‌نشین «خیر»، به معنای تمام اعمال و کارهای خیر است. (ر.ک: الکهف / ۴۶؛ ر.ک: مریم / ۷۶) (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۳/۳۱۹؛ قرشی، ۱۳۷۱ ش: ۴/۱۴۲). با توجه به مصادیق «عمل صالح» در قرآن کریم می‌توان گفت این مفهوم به‌عنوان جزء لاینفک «ایمان» برای جانشینی «خیر» در آیات پیشنهاد می‌شود.

از جمله هم‌نشین‌های فعلی «ایمان» عبارت «يَوْمَ الْآخِرِ» می‌باشد: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ» (آل‌عمران / ۱۱۵). منظور از «الْيَوْمِ الْآخِرِ» قیامت می‌باشد که بیش از ۱۰ مرتبه با «خیر» هم‌نشین شده است. روز آخرت به‌عنوان زیرمجموعه «ایمان» برای جانشینی بر اساس آیه ۱۷۰ سوره النساء پیشنهاد می‌شود.

«معروف» و «منکر» از هم‌نشین‌های فعلی «ایمان»، «یوم الآخر»، «خیر» و «صالح» می‌باشند: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ... وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران / ۱۱۵). «عُرف / معروف» به معنای شناخته‌شده، مقابل منکر به معنای کار نیک مطابق فطرت است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹، ش: ۵۶۰). «منکر» به معنای ناشناخته است که عقل سلیم آن را قبیح و ناپسند می‌داند که منظور از آن در قرآن معصیت است (همان، ۸۲۳). با توجه به شباهت در سیاق و معنا، به دلیل ارتباطی که در آیه ۱۱۵ آل عمران میان روز قیامت، امر به معروف و نهی از منکر است همه این‌ها به‌عنوان مصداقی از «خیرات» هستند که همه‌ی آن‌ها صالح معرفی شده‌اند؛ که بر اساس آن می‌توان گفت کلمات «معروف» و «منکر» جانشین مناسبی برای خیر در آیه ۱۷۰ سوره النساء می‌باشد.

از جمله هم‌نشین‌های دیگر «خیر»، واژه «فلاح» است: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ ... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴). «فَلَّاح» به معنی پیروزی و رسیدن به آرزو در دنیا و آخرت است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹، ش: ۶۴۴). به عقیده برخی مفسران مراد از «خیر» در آیه دین می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ش: ۸۰۷/۲). در ادامه آیه رستگاران کسانی هستند که به خیر و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند دعوت می‌کنند. بعد در آیه دیگر، ایمان و نماز خواندن و عبادت پروردگار را به‌عنوان عمل خیری می‌داند که رستگاری را تنها از این راه امکان‌پذیر می‌داند: «وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (الحج / ۷۷) که هر کار نیکی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ش: ۱۴ / ۱۹۸). با توجه به کاربرد «فلاح» می‌توان آن را در آیه ۱۷۰ سوره النساء از نوع رابطه جانشینی دانست.

۳-۴. هم‌نشینی «خیر» با اطاعت / تأویل

ماده «طوع» و مشتقات آن در قرآن یک‌بار با «خیر» و «اطاعت» از خدا، رسول و اولی الامر هم‌نشین شده است؛ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء / ۵۹). «اطاعت» به معنی میل و رغبت می‌باشد (قرشی، ۱۳۷۱، ش: ۴ / ۲۴۸). برای یافتن جانشین «خیر» در ریشه «طوع» تنها فعل این ریشه را مورد بررسی می‌شود. در

همه آیات «أَطِيعُوا الرَّسُولَ» به همراه «أَطِيعُوا اللَّهَ» می‌آید (ر.ک: آل‌عمران/۳۱-۱۳۲؛ الانفال/۱؛ النساء/۵۸؛ المائده/۸؛ المائده/۹۲ و...) و تنها در آیه النساء، ۵۹ اطاعت با «أُولَى الْأَمْرِ» نیز آمده است. با توجه به سیاق می‌توان «الله»، «الرسول» و «اولی الامر» را به‌عنوان جانشین «خیر» پذیرفت. «الله» یکی از پربسامدترین هم‌نشین‌های «خیر» منشأ فیوضات خیر مطلق است که رسول و اولی الامر نیز نمودی از خیر مطلق در راستای هم آمده‌اند. در این آیه «خیر» صفت برای ارجاع دادن نزاع به خدا و رسول قرار گرفته که یک فعل اختیاری است. بنابراین، «خیر» در اینجا ارزش اخلاقی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷ ش: ج ۱، ص ۴۶). «ذَلِكْ خَيْرٌ» با «اطيعوا» و «أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» رابطه اشتدادی دارد. ریشه «طوع/طاعه» به معنای فرمان‌برداری با اختیار است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۵۲۹). ریشه «تأویل» به معنای رد کردن چیزی به سوی غایت و مقصود از راه علم و عمل است. «أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» به معنای سرانجامی نیکوتر و نیکوترین ثواب و پاداش در آخرت آمده است. «اطاعت» و «تأویل» تقویت‌کننده «خیر» در اینجا هستند. با توجه به رابطه اشتدادی و نتایج ریشه‌شناختی و معنای «خیر» در «ذَلِكْ خَيْرٌ»، مراد تبعیت محض در علم و عمل است. بر اساس آنچه گفته شد مفهوم آیه چنین می‌شد: اطاعت کردن کامل خداوند، رسول و اولی الامر (علیهم السلام) خیر و بهترین سرانجام است، زیرا موجب گشایش در کار می‌شود.

۳-۵. هم‌نشینی «خیر» با تقوا / لباس / رضوان الهی / بر

واژه «تقوا» از جمله هم‌نشین‌های «خیر» است: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (البقره/۱۹۷). «تقوا» یک عامل بازدارنده در مقابل انحراف و خویش‌تردن داری در برابر گناه و احساس مسئولیت و تعهد در پیشگاه خداوند است (ایزوتسو، ۱۳۹۱ ش: ۴۸). طبق آیه «وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ... وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ» (آل‌عمران/۱۱۵) خیر حقیقی بشر از طریق تقوا تکمیل می‌شود و انجام عمل خیر توأم با تقوا است. در نظام توحیدی قرآن کریم، بعد از ایمان به خدا و اطاعت فرامین الهی، «تقوا» به‌عنوان مهم‌ترین عاملی است که هر انسان مؤمنی برای رسیدن به فلاح باید آن را بکار گیرد: «اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ» (العنکبوت/۱۶)

(مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش: ۱۶/۲۴۷) برای همین عبودیت خداوند از جمله هم‌نشین‌های «تقوا» است. از جمله هم‌نشین‌های دیگر تقوا واژه «لباس» می‌باشد: «وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكُ خَيْرٌ» (الاعراف / ۲۶) که از باب تشبیه بلیغ به معنای لباس باطن جانشینی برای خیر محسوب می‌شود؛ برای همین معنای پوشش نیز از جمله معانی «خیر» است که با نتایج ریشه‌شناسی تأیید می‌شود.

در آیه دیگر «رضوان الهی» یکی از هم‌نشین‌های دیگر تقوا است: «أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ» (التوبه / ۱۰۹). «رضا / رضوان / مرضاء» به معنی خوشنودی است. آیه استعاره‌ای تخیلی است به این معنا که بنا کردن زندگی بر اساس پرهیزکاری از گناه و امید به خشنودی او بهتر است.

بر این اساس می‌توان گفت رضایت خداوند جانشین مناسبی برای واژه «خیر» در آیه ۱۹۷ سوره البقره است.

در آیه «الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ» (آل عمران / ۱۹۸) جنات و نعمات «خیر» برای متقینی که جز ابرار هستند، در نظر گرفته می‌شود (طبرسی، ۱۳۶۰ ش: ۲ / ۶۷۵). از جمله هم‌نشین‌های «تقوا»، واژه «بر» می‌باشد. واژه «بر» به معنای طاعت، عبادت، پرهیزکاری، احسان نیکی، کار خیر و صلاح، صدق و راستی، صلح‌رحم، پیوند، تقرب می‌باشد که همه آن‌ها متضمن مفهوم گستردگی هستند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۴ / ۵۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ۶ / ۶۹-۷۰؛ بلخی، ۱۳۸۱ ش: ۳۶۸-۳۶۹). ایزوتسو به پیچیده بودن معنای واژه «بر» اشاره می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۴۲۲-۴۲۳). راغب آن را گسترش دادن در کارهای خوب و مخصوص افعال اختیاری می‌داند که به رساندن نفع به دیگران اطلاق می‌شود؛ برخلاف عمل خیر که در آن نیاز به قصد وجود ندارد (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰ ش: ۷۱؛ طوسی، ۱۴۱۰ ق: ۱ / ۱۹۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۲ / ۷۹۲). از نظر علمای لغت (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۴ / ۵۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ۶ / ۶۹). تعریف «بر»، به «خیر» جامع‌ترین تفسیر است، اما «بر» دقیقاً مترادف «خیر» نیست؛ زیرا «بر»، نیکوکاری از روی قصد و اختیار است، ولی «خیر» به هر نوع نیکی هر چند بدون قصد

معناشناسی ساختاری واژه «خیر» در قرآن کریم؛ فتاحی‌زاده و مرزبان | ۲۳۳

و توجه باشد، اطلاق می‌گردد (عسکری، ۱۴۱۲ ق: ۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۲/۷۹۲). بر این اساس می‌توان گفت که «بر» جانشین مناسبی برای «تقوا» در آیه ۱۹۷ سوره البقره نیست.

۳-۶. هم‌نشینی «خیر» با صبر/عقاب

«صبر» هم‌نشین دیگر «خیر» در النحل، ۱۲۶-۱۲۷ است: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ - وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ». آیه به نحوه رویارویی مسلمانان با عدل و انصاف در عقاب مشرکین و کفار اشاره می‌کند و در ادامه آن‌ها را به صبر توصیه می‌کند تا به اخلاص در عمل برسند. «صبر» ۷۰ مرتبه در قرآن کریم به معنای شکیبایی و خودداری نفس است که در قرآن لفظ عام و به مصادیق متعدد تعلق می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۴۷۴). «صبر» تنها در این آیه با «خیر» هم‌نشین شده است؛ تا نهایت بردباری را بیان کند و از طرفی صبر را بهترین کار در برابر مخالفان می‌داند. بر این اساس «صبر» در رابطه جانشینی با «خیر» قرار دارد.

از جمله هم‌نشین‌های «صبر»، «عقوبت/عقاب/معاقبه» است که تنها در مورد عذاب به کار می‌رود (همان، ۵۷۵). اصل معنای «عقوبت»، عقب به معنای پاشنه پای آدمی و دنباله هر چیزی است. «عاقبت امر» نتایجی است که در آخر هر چیزی و دنبالش می‌آید. کلمه «تعقیب» به معنای آوردن چیزی در دنبال چیز دیگری است و «معاقبت غیر» به معنای کاری ناراحت‌کننده مشابه عمل فردی است که تو را ناراحت ساخته است که این معنا با معنای مجازات و مکافات منطبق است (طباطبائی، ۱۴۱۲ ق: ۱۲/۳۷۴). در واقع میان مفهوم «عقاب» و «صبر» در رابطه هم‌نشینی رابطه مکملی مفعولی برقرار است که جهت بسط واژه «صبر» به کار رفته است. بر این اساس می‌توان گفت که «صبر» می‌تواند جانشین در النحل، ۱۲۶ باشد.

۳-۷. هم‌نشینی «خیر» با توبه/ظلم/قتل نفس

در البقره، ۵۴ و التوبه، ۳ شاهد با هم آیی فعل «توبه» با «خیر» هستیم؛ «إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلِ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِنِكُمْ فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ»، «فَإِنْ تَبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ

لَكُمْ؛ که در اولی مراد قوم یهود و آیه دوم مشرکان هستند؛ که دعوت به توبه می‌شوند. «تَوْبَةً» به معنی برگشتن است تا انسان با تکیه بر غفاریت خداوند، در صورت ارتکاب اعمال ناشایست به سوی منبع اصلی خیرات برگردد تا به سعادت واقعی برسد. از جمله هم‌نشین‌های «توبه»، ظلم به نفس است. «ظلم» به معنای ناقص کردن حق و یا گذاشتن شیء در غیر موضع خویش است؛ که مصادیق مختلفی دارد. در این آیه مراد ظلمی است که یهودیان با پرستیدن گوساله به خویشتن کردند. بر این اساس کم کردن چیزی در رابطه متقابل با «خیر» است که موجب بازگشت شخص می‌شود. از جمله هم‌نشین‌های دیگر «توبه»، «قتل نفس» به معنای عقوبت کار و مقدمه‌ای برای پذیرش توبه به معنای فروگاستن نفس است.

۳-۸. هم‌نشینی «خیر» با شرّ / کره / فتنه / اصاب / هلوع / افک

«شر» از جمله هم‌نشین‌های «خیر» می‌باشد که در البقره، ۲۱۶ آمده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ» (البقره/۲۱۶). آیه اکراه مؤمنین در شرکت از جنگ را بیان می‌کند که در ادامه خداوند آن‌ها را نسبت به اشتباه خودشان آگاه می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶۴/۲). «شرّ» چیزی است که همه از او روی برمی‌تابند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۴۴۸). به عقیده برخی ماده اصلی شر، انتشار و پراکنده شدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱۸۰/۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ ش: ۳۵/۶). بنابراین می‌توان گفت که «شر» نوعی اعراض کردن و پراکنده شدن از اطراف آن است؛ که رابطه مکملی دارد و در تقابل با «خیر» است. از جمله هم‌نشین‌های دیگر «خیر»، واژه «کره» می‌باشد. «کره» بیان سختی است که انسان در درون خود به واسطه طمع یا از ناحیه‌ای دیگر احساس می‌کند و به خاطر تمایل و رغبت از او سلب می‌شود اما «خیر» گرایش به چیزی و برگزیدن آن است. هم‌نشینی «خیر» با «شر» هدفمندانه است؛ زیرا «خیر» چیزی است که به دلیل دارا بودن فضیلت برگزیده و اختیار می‌شود ولی در «شر» عامل برتری وجود ندارد و از این جهت مورد انتخاب نیست؛ با توجه به آنچه گفته شد دو واژه در برابر هم قرار می‌گیرند؛ بدین صورت که مطلوب بودن، داشتن نفع و صلاح انسان که

سعادت را به دنبال دارد از آثار خیر است و ناپسند بودن، ضرر و فساد از آثار «شر» است (طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۳۴۴/۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ ش: ۳۴/۱۶). تبیین صحیح «خیر» در تشخیص درست آن از «شر» آشکار می‌شود؛ که گاهی برخلاف شناخت انسان است؛ زیرا بشر در مواقعی در شناسایی مصلحت زندگی با اشتباه و اتکا بر رأی خود از خیر بی‌بهره می‌ماند؛ زیرا با تصمیم عجولانه مصالح را شر و ناخوشی‌های زندگی را موهبت خدا تلقی می‌کنند؛ اما در مقابل گروهی با اندیشه توحیدی با نگاه عمیق به مصادیق خیر و شر با تفکر عمیق آن‌ها را به درستی از یکدیگر باز می‌شناسانند.

از هم‌نشین‌های دیگر شر، «فتنه» است: «وَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» (الانبیاء / ۳۵). آیه بیان می‌کند که جایگاه اصلی انسان در این جهان نیست، بلکه پس از پایان امتحان و کسب تکامل لازم، به جایگاه اصلی خود که سرای آخرت است خواهد رفت.

«فتنه» در لغت به معنای سوزاندن طلا در آتش (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۴/۴۷۲) و در اصطلاح چیزی است که موجب اختلال همراه با اضطراب می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰ ق: ۲۳/۹). معانی «فتنه» ابتدا در معنای محسوس و سپس در طول زمان تطور یافته است. «خیر» و «شر» به‌عنوان دو واژه که رابطه تقابلی دارند؛ هر دو جهت آشکار شدن خلوص انسان است. کلمه «شر» بر «خیر» مقدم آمده، زیرا آزمایش الهی با نعمت و بلا هر دو همراه است؛ ولی امتحان الهی به وسیله بلاها سخت‌تر است. «شر» در اینجا نسبی و وسیله آزمایش و تکامل است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش: ۱۳/۴۴۲).

از جمله هم‌نشین‌های دیگر فتنه «اصاب» می‌باشد: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ» (الحج/۱۱). «اصاب کذا» به معنای آنچه را که در طلبش بود یافت، به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۴۹۴). کاربرد لفظ «فتنه» به‌جای «شر» بیانگر این است که حوادث ناگوار شر نیستند، بلکه وسیله‌ای برای آزمایش می‌باشند، این در حالی است که افراد سست ایمان مصائب را شوم و نتیجه ایمان به خدا می‌دانند، برای همین برای نجات از این سختی‌ها مرتد می‌شوند (زمخشری، ۱۹۶/۱۴۰۸:۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۱۹۸/۱۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق:

۴۹۴/۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۳۹/۱۹). هم‌نشینی «فتنه» با «ارتداد از ایمان» و تقابل آن با «خیر» بیانگر این است که آزمایش منافقان به کمال آن‌ها منجر نمی‌شود و آن‌ها را از خیر معنوی بهره‌مند نمی‌کند؛ زیرا ایمانشان تنها به خاطر منافع مادی است که به کفر سابق خود پایدارند و آزمودن آن‌ها برای جداسازی آن‌ها از مؤمنان حقیقی است. از هم‌نشین‌های دیگر «شر»، کلمه «هلوع» است. در آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا - إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا - وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (المعارج / ۱۹-۲۰-۲۱) واژه «خیر» با «شر» تقابل معنایی دارند که به‌عنوان مفسر «هلوع» در دو آیه بعد آمده‌اند. «هلوع» به معنای حریص بر خیر و منفعتی است چنان‌که در هنگام برخورد با شر مضطرب می‌شوند و وقتی به خیری می‌رسند خود را بر دیگران مقدم می‌دانند. بر این اساس «هلوع» که دارای رابطه تقابلی با «خیر» است، در تبیین این واژه بکار رفته است. از هم‌نشین‌های دیگر «شر»، واژه «افک» می‌باشد: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (نور / ۱۱). «افک» به معنای هر چیزی که وجهه شایسته و نیکویش که به‌حق سزاوار آن است تغییر یافته باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۷۶). برخی لغویان آن را به معنای دروغ گرفته‌اند (فراهیدی، ۴۱۶/۵). «افک» در قرآن تنها در این آیه هم‌نشین «شر» واقع شده است.

۳-۹. هم‌نشینی «خیر» با سوء/تجد

از جمله هم‌نشین‌های «خیر»، واژه «سوء» در آل عمران، ۳۰ می‌باشد: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًّا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ» که نتیجه رفتار عملی انسان به هر دو شیوه را در قیامت بیان می‌کند مبنی بر این که انسان با گرایش بدی‌ها و دور شدن از مسیر حق، در قیامت ناراحت می‌شود و در مقابل با ظهور اعمال خیر و پاداش مسرور می‌گردد. این همان خیر معنوی اخروی است که انسان با داشتن تقوا و گزینش نیکی‌ها در دنیا برای خود مهیا می‌کند و نتیجه آن را در قیامت می‌بیند. «سوء» به معنای هر چیزی از امور دنیوی و اخروی است که مربوط به بدن یا حال روحی انسان و غیر آن می‌باشد که باعث حزن و اندوه می‌شود. از جمله هم‌نشین‌های «سوء» کلمه «تجد» از ماده وجدان است که طبق سیاق آیه بر

تجسم اعمال در قیامت دلالت می‌کند، بر این اساس می‌توان گفت که «سوء» و «تجد» رابطه مکملی مفعولی دارند که می‌توانند جانشین مناسبی برای «خیر» در آل‌عمران، ۳۰ باشند.

۳-۱۰. هم‌نشینی «خیر» با ضَر/مس

«ضَر» در سوره انعام و یونس هم‌نشین «خیر» قرار گرفته است. آیه «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ» (الانعام/۱۷)، «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ» (یونس/۱۰۷) خطاب به پیامبر اکرم (ص) است که به جز خدا به چیز دیگر تمسک نجوید و به هر چیزی که سود و زیان ندارد، متمایل نشود؛ زیرا به جز خداوند کسی نمی‌تواند آن ضرر را دفع کند و کسی نمی‌تواند مانع خیر رسانی او به پیامبر اکرم (ص) شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹۷/۱۰). «ضَر» به معنی بد حالی در نفس (فقد علم و عفت)، اعم از بدن (نقص عضو) و حال (کمی مال و جاه) می‌باشد (قرشی، ۱۳۷۱ ش: ۴/۱۷۶). بررسی واژه «ضَر» نشان می‌دهد تعبیر «يَمْسَسْكَ اللَّهُ» در آیات می‌تواند جانشین مناسبی برای «خیر» باشد. «مس» در لغت هم‌سو با «تجد» و به معنای یافتن سوء و ضَر است. «تجد» یافتن عینی چیزی است. «مس» به معنای دست زدن، یافتن و چسبیدن توأم با ادراک و حواس لامسه است (نک. آل‌عمران/ ۱۴۰-۴۷) (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۷۶۶)، برخلاف «لمس» که دارای احساس می‌باشد و برای یافتن چیزی است که اشیاء را لمس می‌کنند (قرشی، ۱۳۷۱ ش: ۲۵۷/۶؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۹ ش: ۷۶۶). وجود رابطه اشتدادی بین «تجد» با «مس» در انعام، ۱۷ و یونس، ۱۰۷، تشدیدکننده مفهوم «خیر» است. «تجد» در اکثر کاربردهای خود در قرآن در با هم‌آیی با «نصیر» و «سبیل» به صورت رابطه اشتدادی قرار گرفته است و به‌نوعی بیانگر نوعی نیافتن چیزی است که پس از کفر و نفاق حاصل می‌شود. در انعام، ۱۷ و یونس، ۱۰۷، رساندن «خیر» و سختی را به خداوند منوط می‌کند، از این رو مؤلفه معنایی در ارتباط با «خیر» فعلی است که از طرف خداوند به انسان می‌رسد، مانند تجسم یافتن اعمال خیر و سوء برای انسان در روز قیامت و اصابت خیر و فتنه جهت اتصال انسان به «الله» است.

نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های معنایی واژه «خیر» در قرآن بر اساس روابط هم‌نشینی‌ها و جانشین‌ها که هر یک تبیین‌کننده مفهوم «خیر» در قرآن‌اند، بررسی می‌شوند.

روابط هم‌نشینی به دو دسته مکملی / دستوری و معنایی قابل تقسیم‌اند. ماده خیر در محور هم‌نشینی با ماده‌های «الله»، «الْیَوْمِ الْآخِرِ»، «تَأْوِيلَ»، «لباس»، «اصاب»، «تجدد» و «مس» از رابطه مکملی - نحوی برخوردار است و از حیث روابط معنایی با واژگانی چون «عندالله»، «ایمان»، «عمل صالح»، «فلاح»، «معروف»، «اطاعت»، «تقوا»، «رضوان الهی»، «بر»، «توبه» در رابطه اشتدادی و با واژه «منکر»، «ظلم»، «قتل نفس»، «شر»، «گره»، «فتنه»، «هلوع»، «افک»، «سوء» و «ضُر» در رابطه تقابلی است.

با توجه به تنوع معنایی خیر در آیات مختلف، نهایتاً به جانشین مشترکی برای همه‌ی ۱۹۶ بار به کارگیری «خیر» در قرآن دست یافته‌ نشد.

مؤلفه‌های معنایی «خیر» که از طریق روابط هم‌نشینی به دست آمد در دو محور طبقه‌بندی می‌شود:

-محور اول، مؤلفه‌هایی بر اساس روابط مکملی که شامل باور قلبی، میل و رغبت، انتشار و پراکنده شدن، دست زدن، یافتن و چسبیدن می‌شود.

-محور دوم، مؤلفه‌هایی بر اساس روابط معنایی که شامل بروز و ظهور خارجی به‌ویژه در مقام فعل، فیوضات لایتناهی خیر مطلق اعم از مادی و معنوی می‌شود.

مؤلفه‌های معنایی «خیر» به‌دست آمده از طریق روابط جانشین را نیز می‌توان در دو محور طبقه‌بندی کرد:

-محور اول، مؤلفه‌هایی که دلالت بر ظهور خارجی در قالب فیوضات مادی و معنوی و در جانشینی واژگان «الله، عندالله، ایمان، عمل صالح، رضوان الهی، بر» از «خیر» قابل دست‌یابی است.

-محور دوم، مؤلفه‌هایی که دلالت بر میل و رغبت، انتشار و پراکنده شدن، دست زدن، یافتن و چسبیدن می‌کنند و در جانشینی واژگان «فلاح، معروف، اطاعت، تقوا، توبه»

از «خیر» قابل دست‌یابی است.

همان‌گونه که لغویان متقدم ذکر کرده‌اند این مفهوم بر جمیع افعال نیک اطلاق می‌شود، با این قید که افعال در قالب مادی و معنوی هستند. لازم به ذکر است مفهوم «خیر» به معنای مطلق کار خوب از معانی است که از ابتدا دچار تطور معنایی نشده است. - واژه «خیر» ۱۹۶ مرتبه در قرآن کریم آمده است که بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر جانشین مشترکی برای آن یافت نشد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Fathiyeh Fattahizadeh
Fereshteh Marzban



<https://orcid.org/0000-0003-1633-0955>



[https://orcid.org/0009-0008-0497-](https://orcid.org/0009-0008-0497-663X)

663X

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم.

- ابن سیده. (۱۴۲۱ ق.). المحکم و المحيط الاعظم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق.). معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن. (۱۴۰۴ ق.). نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و النظائر، بیروت، الرسالة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- ایزو تسو، توشیهیکو. (۱۳۹۱ ش.). خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و فرهنگی و زبان شناسی.
- باقری، مه‌ری. (۱۳۷۸ ش.). مقدمات زبان شناسی، تهران: نشر قطره.
- برخواه، انسیه. (۱۳۹۰ ش.). خیر در حکمت نظری و عملی، مجله دانشنامه جهان اسلام، تهران، جلد ۱۶، خلعت پوشان - داعی.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۳۰ ش.). المحاسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- بی‌یرویش، مانفرد. (۱۳۷۴ ش.). زبان شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: آگاه.
- پالمر، فرانک. (۱۳۹۱). نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کورش صفوی، چاپ ششم، تهران، نشر مرکز.
- تفلیسی، حبیبش. (۱۳۴۰ ش.). وجوه قرآن، تهران، حکمت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۶۸ ش.). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ احمد عبدالغفور عطار، بیروت، افست تهران.
- خاتمی، احمد. (۱۳۸۳ ش.). فرهنگنامه موضوعی قرآن، تهران، فرهنگ اسلامی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۶۵ ش.). جهان غیب و غیب جهان، تهران، کیهان.
- دامغانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۱ ق.). الوجوه و النظائر للفاظ کتاب الله العزیز، قاهره، احیاء التراث الاسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۳۸۹ ش.). مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه حسین خداپرست، قم، نوید اسلام.
- ری شهری، محمد. (۱۳۸۲ ش.). خیر و برکت در قرآن از نگاه آیات و حدیث، قم، دارالحدیث.
- زبیدی محمد بن محمد. (بی تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.

معناشناسی ساختاری واژه «خیر» در قرآن کریم؛ فتاحی‌زاده و مرزبان | ۲۴۱

زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بیروت، دارالکتب العربی. سالخورده، معصومه، پسندیده، عباس. (۱۳۹۶ ش). *تحلیل و تبیین ماهیت استدلال «خیر و ابقی» در قرآن*. شماره ۲۹.

سوسور، فردیناند. (۱۳۷۸ ش). *دوره زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس. عبدالباقی، محمدفؤاد. (۱۳۶۴). *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، قاهره، افست تهران. عسکری، ابوهلال. (۱۴۱۲ ق). *معجم الفروق اللغویة*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴ ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسه حوزه علمیه قم. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن. (۱۳۸۶ ش). *جوامع الجامع*، تهران، آستان قدس رضوی. ----- (۱۳۶۰ ش). *مجمع البیان*، تهران، فراهانی.

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۶۲ ش). *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی. طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۴). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام. فارسیان، محمدرضا، شعیری، حمیدرضا، اسماعیلی نسرین. (۱۳۹۶ ش). *بررسی نشانه معناشناختی واژگان «ذکر» و «خیر» در قرآن و معادل‌های آن‌ها در هفت ترجمه فرانسوی قرآن کریم*، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، شماره اول.

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). *مفاتیح الغیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکیبر للرافعی*، قم، دارالهجره.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه. مدنی، علی خان بن احمد. (۱۳۸۴ ش). *الطراز الأول*، مشهد، موسسه آل‌البت علیهم السلام لاحیاء التراث.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن و حدیث*، قم، پارسیان.

کریمی حسینی، عباس. (۱۳۸۲). *تفسیر علین، قم، اسوه*.

مصطفوی، حسن. (۱۴۱۶ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، موسسه الطباعة والنشر. مظاهری تهرانی، بهاره. (۱۳۹۳ ش). *بررسی واژه «خیر» در ترجمه‌های قرآن کریم*، ترجمان وحی،

شماره ۳۵ و ۳۶.

۲۴۲ | دو فصلنامه علمی سراج مُنیر | سال چهاردهم | شماره ۴۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۲

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۸۶ ش). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب و الاسلامیه.
مهیار، رضا. (بی تا)، *فرهنگ ابجدی عربی-فارسی*، بی جا، بی نا.
والزاده، ابوالفضل. (۱۳۹۰ ش). *خیر در قرآن و حدیث*، دانشنامه جهان اسلام، شماره ۱۶،
وحیدنیا، فرحناز. (۱۳۹۲ ش). *بررسی واژه خیر در ترجمه های معاصر قرآن کریم*، ترجمان وحی،
شماره ۳۳.
یحیی بن سلّام. (۱۹۷۹ م). *التصاریف: تفسیر القرآن مما اشتبهت اسماءه و تصرفت معانیه*، تونس،
مؤسسه آل البیت المالکیه للفکر الاسلامی.

References

The Holy Quran.

- Abd al-Baghi, Mohammad Fouad. (۱۹۸۵). *Al-Mu'jam al-Mufhars for Al-faz al-Qur'an al-Karim*, Cairo, Offset Tehran. [In Arabic]
- Askari, Abu Hilal. (۱۹۹۱). *Al-Farooq Al-Laghuyeh encyclopedia*, Qom, Al-Nashr al-Islami Institute. [In Arabic]
- Bagheri, Mehri. (۱۹۹۹). *Introduction to Linguistics*, Tehran: Ghatreh Publishing. [In Persian]
- Barkhah, Ansieh. (۲۰۱۳). *Good in theoretical and practical wisdom*, Jahan Islam Encyclopaedia Magazine, Tehran, Volume ۱۶, Khalat Pushan - Da'ei. [In Persian]
- Barghi, Ahmed bin Mohammad. (۱۹۵۱). *Al-Mohasen*, Tehran, Dar-ul-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
- B. Yervish, Manfard. (۱۹۹۵). *New Linguistics*, translated by Mohammad Reza Bateni, Tehran: Agah. [In Persian]
- Damghani, Hossein bin Muhammad. (۲۰۰۰). *Al-Vojoha wa al-Nazaer lalfaz Kitab Allah al-Aziz*, Cairo, Ahyaya al-Tarath al-Islami. [In Arabic]
- Farsian, Mohammadreza, Sha'eiri, Hamidreza, Esmaili Nasrin. (۲۰۱۶). A study of the semantic sign of the words "Zikr" and "Khair" in the Qur'an and their equivalents in seven French translations of the Holy Qur'an, *Quarterly Journal of Language and Translation Studies*, number one. [In Persian]
- Fakhr al-Din Razi, Abu Abdollah Muhammad bin Omar. (۱۹۹۹). *Mafatih al-*

- Gheib*, Beirut, Dar Ahyaya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic]
- Fayoumi, Ahmad bin Muhammad. (۱۹۹۳). *Al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer for Rafi'i*, Qom, Dar al-Hijra. [In Arabic]
- Ibn Sayedeh. (۲۰۰۰). *Al-Mahkam wa Al-Muhait al-Azam*, Beirut, Dar al-Kotob Al-Elamiya. [In Arabic]
- Ibn Fares, Ahmad. (۱۹۸۳). *Ma'jam Maqays al-Lagheh*, Qom, School of Islamic Studies. [In Arabic]
- Ibn Jozi, Abd al-Rahman. (۱۹۸۳). *Nazha al-Ain al-Nawazir fi ilm al-Ujuwa wa al-Nazair*, Beirut, Risala. [In Arabic]
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram. (۱۹۹۳). *Lasan Arab*, Beirut, Dar Sader. [In Arabic]
- Izutsu, Toshihiko. (۲۰۱۳). *God and Man in the Qur'an, translated by Ahmad Aram*, Tehran, Research and Cultural Institute and Linguistics. [In Persian]
- Johari, Ismail bin Hammad. (۱۹۸۹). *Sahaha: Taj al-Lagha and Sahah al-Arabiya*, published by Ahmad Abdul Ghafoor Attar, Beirut, Offset Tehran. [In Arabic]
- Karimi Hosseini, Abbas. (۲۰۰۳). *Tafsir Aliin*, Qom, Osveh. [In Arabic]
- Khatami, Ahmad. (۲۰۰۴). *Thematic Dictionary of Quran*, Tehran, Farhang Islami. [In Persian]
- Khormshahi, Bahauddin. (۱۹۸۶). *Jahan Gheib Va Gheib Jahan*, Tehran, Kayhan. [In Persian]
- Madani, Ali Khan bin Ahmad. (۲۰۰۵). *Al-Taraz Al-Awwal*, Mashhad, Al-Bayt Foundation, peace be upon them, for the preservation of heritage.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi. (۱۹۹۸). *Ethics in the Qur'an and Hadith*, Qom, Parsian.
- Mustafavi, Hassan. (۱۹۹۵). *Al-Habiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*, Tehran, Institute of Printing and Publishing.
- Mazaheri Tehrani, Bahareh. (۲۰۱۳). *Review of the word "khair" in the translations of the Holy Qur'an*, Tarjoman Wahy, No. ۳۵ and ۳۶. [In Persian]

- Makarem Shirazi, Nasser and others. (۲۰۰۷). *Tafsir-Nemuneh*, Tehran, Dar al-Kitab and Al-Islamiya. [In Persian]
- Mahyar, Reza, (N.D). *Arabic-Persian alphabetic culture*, N.P. [In Persian]
- Palmer, Frank. (۲۰۱۳). *A New Look at Semantics*, translated by Kourosh Safavi, ۹th edition, Tehran, Markaz Publishing. [In Persian]
- Qoreishi, Ali Akbar. (۱۹۹۲). *Quran Dictionary*, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya. [In Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein. (۲۰۱۰). *Vocabulary of words of the Holy Quran*, translated by Hossein Khodaparast, Qom, Navid Islam. [In Persian]
- Ray Shahri, Muhammad. (۲۰۰۳). *Goodness and blessing in the Qur'an from the perspective of verses and hadith*, Qom, Dar al-Hadith. [In Persian]
- Salkhordeh, Masoumeh, Pasandideh, Abbas. (۲۰۱۶). *Analysis and explanation of the nature of "good and abqi" reasoning in the Qur'an*, number ۲۹. [In Persian]
- Saussure, Ferdinand. (۱۹۹۹). *General linguistics course*, translated by Korosh Safavi, Tehran: Hermes. [In Persian]
- Teflisi, Habish. (۱۹۶۱). *Vojouh Qur'an*, Tehran, Hikmat. [In Persian]
- Tabataba'i, Mohammad Hossein. (۱۹۹۵). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom, Qom Seminary School Society. [In Persian]
- Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hassan. (۲۰۱۶). *Jameed Al-Jame*, Tehran, Astan Quds Razavi. [In Persian]
- (۱۹۸۱). *Majmam Bayan*, Tehran, Farahani. [In Persian]
- Tureihi, Fakhreddin bin Mohammad. (۱۹۸۳). *Majma Al-Bahrin*, Tehran, Mortazavi. [In Persian]
- Tayeb, Abdul Hossein. (۱۹۹۵). *Taib Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Islam. [In Persian]
- Valazadeh, Abulfazl. (۲۰۱۳). *Khair in the Qur'an and Hadith*, Encyclopædia Jahan Islam, No. ۱۶. [In Persian]
- Vahidnia, Farahnaz. (۲۰۱۳). *Review of the word "good" in contemporary*

معناشناسی ساختاری واژه «خیر» در قرآن کریم؛ فتاحی‌زاده و مرزبان | ۲۴۵

translations of the Holy Qur'an, Tarjoman Wahy, No. ۳۳. [In Persian]

Yahi bin Salam. (۱۹۷۹). *Al-Tasarif: Tafsis al-Qur'an Mamma Eshhat Asmaouh and Seizing the Meanings, Tunes*, Al-Al-Bait Al-Mulkiya Foundation for Islamic Thought. [In Persian]

Zobeidi Mohammad bin Mohammad. (N.D). *Taj al-Aros Man Javaher al-Qamoos*, Beirut, Dar al-Fikr. [In Arabic]

Zamakhshri, Mahmoud. (۱۹۸۶). *Al-Kashf on the facts of Ghwamaz al-Tanzir*, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: فتاحی‌زاده، فتحیه، مرزبان، فرشته. (۱۴۰۲). معناشناسی ساختاری واژه «خیر» در قرآن کریم، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۴(۴۶)، ۲۲۱-۲۴۴.

DOI: ۱۰.۲۲۰۵۴/ajsm.۲۰۲۳.۶۴۵۸۹.۱۷۶۷



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial ۴.۰ International License.